



اجرای مجازات در ملا عام

تالیف

الهام بیگلری فرد

مشاور حقوقی و دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق

جزا و جرم شناسی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

فهرست مطالب

مقدمه ۸

فصل اول

کلیات ۱۰

فصل دوم ۱۴۵

مبانی اجرای علنی مجازاتها در اسلام ۱۴۵

منابع و مأخذ ۴۰۸



این کتاب را تقدیم میکنم به؛

استوارترین تکیه گاهم،دستان پرمهر پدرم

سبزترین نگاه زندگی ام،چشمان سبز مادرم

که هرچه آموختم در مکتب عشق شما آموختم

و هر چه بکوشم قطره ای از دریای بیکران

محبتهایتان را سپاس نتوانم بگویم

گران سنگ تر از این ارزان نداشتم تا به خاک پایتان نثار کنم

باشد که حاصل تلاشم نسیم گونه غبار خستگیتان را بزدايد

مقدمه

یکی از مسائل مربوط به اجرای مجازات ها، اجرای علنی یا غیر علنی آنها می باشد که از چندی پیش محل بحث و مناقشه فراوان قرار گرفته و بازتابهای گسترده داخلی و بین المللی را به همراه داشته است، تا جایی که صدور آیین نامه هایی در این زمینه از سوی نهاد قضایی بی تأثیر از این دغدغه های بین المللی نیست. لذا ما در این پژوهش ابتدا پیرامون مبانی اجرای علنی کیفرها و تأثیر مقتضیات زمان و مکان و تغییر مصالح و مفاسد در برخی از احکام شرعی حاکم بر اجرای مجازات ها پرداخته و همچنین بر آنیم که با توجه به نظریات جرم شناسی، جامعه شناسی، روانشناسی و نظرسنجی از متن جامعه به بررسی پیرامون آثار فردی و اجتماعی اجرای

علنی کیفرها ضمن توجه به نظر موافقین و مخالفین پرداخته و مشخص نماییم که اهداف و مقاصد مورد نظر از اجرای علنی کیفرها تا چه حد به منصفه ظهور رسیده است و بالاخره به این امر اشاره نماییم که استفاده از مطالعات و دستاوردهای علوم جرم‌شناسی، روانشناسی، علوم اجتماعی و و نیز در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان، شخصیت بزهکار، بافت اجتماعی و فرهنگ و افکار حاکم بر هر جامعه در خصوص انتخاب نوع و شیوه اجرای مجازات به چه میزانی ما را در جهت برخورداری از یک سیاست کیفری پیشرفته و پویا کمک می‌نماید.



فصل اول کلیات

**بخش اول: تبیین سیاست کیفری و جنایی و
اهداف کیفرها در اسلام**

**مبحث اول: تبیین سیاست کیفری و سیاست
جنایی**

گفتار اول: تبیین سیاست کیفری

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی آمده است که "هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود. با توجه به منطق این ماده و تعریف اصطلاحی مجازات می توان چنین

نتیجه گرفت که: مجازات آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه تنفر جامعه از عمل مجرمانه مرتکب آن برای شخصی که مقصر است بر طبق قانون تعیین میکند. آزاری که صدمه ای به حقی از حقوق مجرم وارد می آورد نباید هدف مجازات تلقی کرد. هدف مجازات اصلاح مجرم، دفاع اجتماعی و اجرای عدالت است. آزار وسیله نیل به این هدف عالی است مجازات را قاضی در حدودی که قانون معلوم نموده است تعیین می کند.^۱ سیاست کیفری به تعریف رم و احصاء انواع جرم می پردازد و در بسیاری از تعاریف

^۱. نگرش به حقوق جزای عمومی - محمد باقری - مقارنه و تطبیق رضا شکری -



سیاست کیفری تدابیر عمدتاً کیفری و سزادهنده ای است که در جهت پیشگیری و سرکوبی جرم در یک جامعه اتخاذ گردیده و به اجرا گذاشته می شود.^۲

گفتار دوم: سیاست جنایی

و اثر سیاست جنایی به عنوان رشته مطالعاتی علمی اولین بار توسط فون فوئر باخ به طور مضیق به عنان مجموعه شیوه های سرکوب گرانه ای تعرف شد که دولت با به کارگیری آنها با جرم مبارزه می کند^۳ و در نهایت توسط خانم دلماس مارتی به طور موسع "مجموعه

^۲ سیاست جنایی در اسلام و در ایران - سید محمد حسینی - تهران، انتشارات

سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳

^۳ در آمدی بر سیست جنایی - کریستین، لاوژ - ترجمه عل حسین ابرند آبادی -

نشر میزان - تهران - چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۰.

روش هایی است که هیات ((پیکر)) اجتماعی با استفاده از آنها، پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می بخشد)) که بر اساس این تعریف پاسخ کیفری به پدیده مجرمانه در هنگام بیان مکافات و تنبیه یکی از متغیرها یا پاسخ های متنوع و گوناگون دولت به این فتار به حسا می آید. در سیاست کیفری که عبارت است از تدابیر و چاره اندیشی راجع به کیفر و سیاست گذاری راجع بع آن کیفر صرفاً جنبه دولتی دارد و انحصار تعیین آن در دست دولت است. با این وجود وقتی می گوئیم سیاست جنایی تدبیر و چاره اندیشی راجع به جرم است چاره اندیشی راجع به جرم دارای دو بعد کیفری و پیشگیری است که در بحث پیشگیری لزماً دولت مداخله نمی کند در واقع هسته



اصلی سیاست جنایی دولت است بدین دلیل که هسته اصلی آن حقوق کیفری است اما بخشی از آن هم مربوط به جامعه مدنی است که در شکل ساده که سیاست جنایی در بردارنده مطالعه اقدام ها و تدابیر متنوعی است که دولت و جامعه مدنی به طور مستقل یا با مشارکت هم برای سرکوبی پدیده مجرمانه پیشگیری و حمایت از بزه دیدگان مستقیم یا غیر مستقیم پیش بینی می کند.^۴

گفتار سوم: وجوح افتراق سیاست کیفری و سیاست جنایی

سیاست کیفری با توسل به حقوق کیفری مبارزه با جرم را دنبال می کند و طبیعتاً جنبه سرکوبگر و تنبیهی

^۴. کریستین، لازوژ، همان - ص ۳۷.

دارد و دقیقاً پس از مطالعات و نتایج جرم‌شناسی، سیاست کیفری به سیاست جنایی تبدیل شد در حالی که سیاست جنایی سیاست حاکم بر جنایت که موضوع کیفر است و موضوع مبارزه و تدبیر و استراتژی ما است.^۵ سیاست کیفری تدبیر و چاره‌اندیشی راجع به آن است که صرفاً جنبه دوستی دارد در حالی که در سیاست جنایی تدبیر و چاره‌اندیشی راجع به جرم است که در بعد کیفری آن به وسیله دوست و در بعد پیشگیری لزماً دوست مداخله نمی‌کند، در واقع هسته اصلی جنایت جنایی دوست است به دلیل اینکه هسته اصلی آن حقوق کیفری است اما بخشی از آن هم مربوط به جامعه مدنی

^۵. جامعه‌شناسی جنایی، محمد نجفی ابرندآبادی، سال ۱۳۷۵، ص ۳۳۹.



می شود. آیا اجرای عدالت همیشه توأم با اعمال کیفر است؟ عدالت به مخفی خاص کلمه برابر داشتن اشخاص و اشیاء است مهم این است که بین سود و زیان و تکالیف و حقوق اشخاص تناسب و اعتدال رعایت شود پس به عبارتی می توان گفت ((فضیلتی است که به موجب آن باید به هر کس آنچه را حق اوست داد.)) انسان طالب اجرای عدالت است سخت ترین دلها نیز وانمود می کند که چنین شوقی را در درون خود وارد تاریخ را در راه تمیز و اجرای عدالت تشکیل می دهد.^۶ از دیدگاه حقوق جزا انسان میل به کمال داشته و

^۶ فلسفه حقوق و عدالت - نامر کاتوزیان - انتشارات سهامی انتشار - چاپ سوم

در این در تکاپوست. حرکت موجودات به طرف مقصود بر طبق قاعده و قانون است که انسان در طبیعت از قاعده و قانون مختار است و تردیدی نیست که بر طبق اختیار ممکن است که انسان در طبیعت از قاعده و قانون مختار است و تردیدی نیست که بر طبق اختیار ممکن است از قواعد سلوک منحرف و به گمراهی گراید قواعد اخلاقی تراوش های وجدانی است. وجدان نیرویی است در تهاد انسان که با آن خیر از شر و حسن از قبیح تمیز داده می شود.^۷ به هر حال حقوق جزا از بعضی از احکام و وجدانی الهام می گیرد. وجدان انسان را به

^۷. حقوق جزای عمومی - محمد باهری - انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد -



نیکوکاری و احسان به ابناء نوع خود هدایت می کند
 لکن احکام وجدانی که که مبتنی بر گراییدن به عدل و
 دوری جستن از ظلم است الهام بخش حقوق جزاست.
 لذا رابطه ای که انسان با هم نوعان خود دارد که به
 اخلاق اجتماعی تعبیر شده است. بدون تردید مرتبط با
 حقوق جزاست یعنی قلمرو زندگی اجتماعی، تکالیفی
 وجود دارند که فاقد هرگونه سبقه اخلاقی هستند، این
 گونه تکالیف عموماً در قلمرو و اخلاق اجتماعی
 موضوع حقوق جزا واقع می شود و هدف از رعایت آن
 برقراری نظم و حقوق اجتماعی و تامین عدالت اجتماعی
 است از دهه های آخر سده بیستم بر این سونظریه عدالت
 کیفری و جرمشناسان قرار گرفته است. چون به طور

یقین این نوع اعمال عدالت به نفع بزه دیده و افراد جامعه و حتی به نفع بزه کار نیست چرا که حتی بزه کار که در نظام مزبور محور توجهات قرار گرفته و با انجام اعمال مجرمانه به ساحت قانون تعرض نموده و با کیفر دادن وی این تجری و گستاخی و بی‌اعتنایی پاسخی پیدا می‌کند، از این عدالت و اعمال آن بزه دیده کمترین سهم و نفع را می‌برد در حالیکه به واسطه جرم متضرر شده و متحمل درد و رنج و مرارت شده است. اجرای عدالت همیشه توأم با اعمال کیفر نیست، کیفری منجر به عدالت می‌شود که آثار وخامت بار جرم و ضرر و زیان ناشی از جرم تعیین شده و اثر اصلاح و پیشگیری بر مجرم را نیز به دنبال داشته باشد.



مبحث دوم: اهداف شخصی مجازات ها

یکی از اساسی ترین اهداف مجازات، جلوگیری از ارتکاب جرم است. آنگونه که بنتام استدلال می کند «چنانچه رنج تحمل مجازات از لذت تحصیل احتمالی منافع جرم بیشتر باشد مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم، خودداری خواهند کرد. تقریباً تمام نظریات و تئوری ها حول محور مجازات برای جلوگیری از ارتکاب جرم دور می زند و تمام تلاش اندیشمندان برای وصول به این هدف است.»

از جمله اهداف دیگر مجازات ها عبارتند از:

گفتار اول: ارباب مجرم

در ایام گذشته نسبت به خصیصه عبرت آموزی مجازات تأکید فراوانی می‌شد به همین دلیل اغلب مجازاتها وحشت آور، اربابی، خشن و غیر انسانی بود تا بتواند در وجود مجرم و اطرافیان وی که ناظر به اعمال او بودند رعب و وحشتی ایجاد کند تا از بروز و تکرار جرم خودداری شود، افکار عامه مردم هم روی این خصیصه تأکید خاصی داشتند در نتیجه بهترین شیوه در مبارزه با پدید مجرمانه (مجازاتهای سنگین و حتی اعدام می‌دانستند که این طرز فکر حتی در قانونگذار ادوار قدیم تأثیر گذاشته و موجب تعیین مجازاتهای سنگین و سخت شده است اما امروزه خصیصه ی عبرت آموزی



مورد شک و تردید قرار گرفته است و جرم شناسان برای رد خصیصه ی اربعابی مجازات تمثیل زیبایی دارند که در یکی از میدانهای پاریس چند نفر را به اتهام جیب بری دار می زدند، در میان انبوه جمعیت تعدادی مرتکب جرم جیب بری شدند، در حالیکه با چشم خود می دیدند جزای جیب بری اعدام است.^۱ سزار بکاریا اثر اربعابی کیفرها را به عنوان سومین ویژگی سیاست جنایی توجیه می کند وی معتقد است مجازات شدید برای مبارزه با جرم به هیچ وجه اطمینان بخش نیست بلکه مهم حتمی الاجراء بودن مجازات است که جنبه پیشگیری از جرم را

۱. حقوق جزای عمومی، افراسیابی، محمد اسماعیل، ۱۳۸۰، انتشارات فردوسی،

تضمین می‌کند.^۹ در مورد اهداف اربعابی مجازاتها نظرات مختلفی ارائه شده است یکی از حقوقدانان نظام مجازاتهای ثابت را مورد انتقاد قرار داده است در تبیین این نظر باید گفت که نظام مجازاتهای ثابت یعنی تعیین حداقل و حداکثر مجازات معین برای هر فعل مجرمانه، با هدف دیگر مجازات که اصلاح مجرم است مغایرت دارد چرا که درمان و اصلاح یک مجرم ممکن است به زمان کمتر از آنچه در حداقل مجازات پیش بینی شده، محتاج باشد در صورتیکه اصلاح مجرم دیگر ممکن است به فرصتی بیشتر از زمان حداکثر مجازات نیاز داشته

۲. رساله جرائم و مجازاتها، بکاریا، سزار، ۱۳۸۴، ترجمه محمدعلی اردبیلی،



باشد، این حقوقدان معتقد است هر چند ممکن است وضع مجازاتهای سنگین و سخت از نظر ارباب و هراس مفید باشد، اما اصلاح مجرم را مشکل و غیر ممکن می سازد). دکتر پرویز صانعی در ادامه می افزاید: «یکی از دلایل موجود برای وضع و اجرای مجازاتها آن است که با ایجاد ترس در توده مردم مانع شود که افراد دیگر همان جرم را در آینده مرتکب شوند، با این وصف تأثیر مجازاتها از نظر جلوگیری از جرم، پیش از آنکه مربوط به ترس صدمه احتمالی ناشی از مجازات (مثلاً چند سال زندان یا فلان مبلغ جریمه نقدی) باشد، به واکنش اعضای جامعه نسبت به مشروعیت مجازات و وضع اجتماعی مجرم (از نظر میزان طرد شدن او در میان

طبقات خاص اجتماعی، اگر چنین امری تحقق پیدا کند) بستگی دارد. به این ترتیب مردم در یک جامعه فرضاً دزدی را بد بدانند و نسبت به دزدی واکنش بد و خصمانه نشان دهند، مجازات بیشتر به عنوان دلیل اثبات می‌تواند تأثیری بازدارنده از ارتکاب جرم در آینده داشته باشد، ولی چنانچه فرضاً در جامعه ای مانند جامعه ما فرار از مالیات عمل زننده تلقی نشود و مردم نسبت به کسی که مالیات خود را نمی‌پردازد به صورت یک آدم هوشمند و زرنگ نگاه کنند در این صورت تأثیر بازدارنده مجازات محدود به مواردی خواهد بود که امکان بازرسی و کشف و اجرای مجازات وجود داشته باشد. دکتر صانعی در نهایت می‌گوید: «به طور کلی باید



گفت که میزان نفوذ و موفقیت نظام جزایی از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده، بستگی کامل و قطعی با میزان هماهنگی هنجارها و مجازاتهای جزایی با ارزشهای فرهنگی جامعه دارد بدین معنی که هر چقدر مجازات تحمیلی با انتظارات عمومی و طرز تفکر اخلاقی مردم جامعه هماهنگی بیشتری داشته باشد، به همان نسبت تأثیر مجازات از نظر تربیت عمومی اعضا جامعه و جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده بیشتر خواهد بود.^۱»

۱. حقوق جزای عمومی، صانعی، پرویز، ج ۲، گنج دانش.

گفتار دوم: مکافات مجرم

وجود سوء نیت و خطا برای آنکه جرمی واقع شود و قابل مجازات باشد ضروری است، به همین علت است که برای تحقق جرم علاوه بر دو عنصر قانونی و مادی وجود عنصر روانی ضروری تشخیص داده شده است، در مطالعه گذرا در حقوق فرانسه به اصلی بر می خوریم که «مجازات بدون تقصیر ممکن نیست» نامیده شده است. همانطور که می دانیم توجه به عنصر روانی اولین بار بوسیله مکتب کلاسیک و تحت تأثیر عقاید مکتب عدالت مطلق مطرح و در حقوق فرانسه مورد قبول واقع شد بر مبنای عقیده این دو مکتب است که امروزه مجازات مجرمین با امعان نظر به سوء نیت و خطائی که



مرتکب شده اند، از نظر اخلاقی توجیه می‌شود، بر پایه همین استدلال چون مجرم مرتکب خطا و تقصیر شده است با مجازات و مکافات او بدون در نظر گرفتن اینکه حربه ای برای جلوگیری از جرم یا اصلاح او باشد یا خیر از نظر اخلاقی ضروری و صحیح به نظر می‌رسد.^{۱۱} امانوئل کانت از پایه گذاران نظریه مکافات عمل، در توجیه بعد اخلاقی این نظر می‌گوید: «مجرم کسی است که یکی از دستورهای اخلاقی حاکم بر جامعه را نادیده می‌گیرد و با اقدام خود نظم اخلاقی را در جامعه مورد حمله قرار می‌دهد، بنابراین کیفر دادن او برای ایجاد نظم

۱. اصول حاکم بر مجازاتها، تقی زاده، ابراهیم، ۱۳۷۴، پایان نامه کارشناسی

ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۱.

اخلاقی در جامعه ضروری است چرا که مجرم با عملکرد خود موجبات تحمیل کیفر را فراهم می‌سازد، بنابراین هدف مکافات، صرف نظر از اینکه با سایر اهداف مجازات هماهنگی و سنخیت داشته باشد یا نه، از نظر اخلاقی و نظم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.» در سالهای اخیر هدف مکافات که بیشتر جنبه انتقام جوئی مکافات دادن را بدون امعان نظر به تمامیت حیات اجتماعی مورد نظر قرار داده است به شدت مورد حمله و انتقاد حقوقدانان و جامعه شناسان قرار گرفته است. منتقدین در توجیه نظر خود معتقدند: وقوع جرم معلول عواملی است که قبل از بوجود آمدن و رشد فیزیکی و جسمانی مجرم در جامعه ظهور داشته است و



این عوامل از کنترل و توان فرد بالاخص مجرم خارج است بنابراین اوضاع و احوال اجتماعی که مجرم در آن به حیات می پردازد طوری است که مسئولیت شخصی مجرم را منتفی می سازد و نمی توان مجرم را به دلیل ارتکاب جرم مسئول شناخت، در انتقاد به این نظریه انسان فردی مجبور تلقی شده که جبر موجود در حیات اجتماعی او را در گرداب حوادث غوطه ور می سازد از طرف دیگر عمل مجرمانه ای که از سوی مجرمین صورت می گیرد تنبیه و مجازاتی نخواهد داشت چرا که جبر جامعه افراد را به سوی جرم رهنمون می سازد و انسان مسئولیتی ندارد اما در عمل می بینیم که هر روزه قوانین مختلف و سیستم های قضایی متفاوت شکل



می‌گیرد تا از وقوع جرم جلوگیری کند تا در نتیجه جامعه جهانی با آرامش قابل اطمینان به حیات خود ادامه دهد.

گفتار سوم: اصلاح و تربیت مجرم

نهضت دفاع اجتماعی جدیدی توسط دانشمندانی همچون گراماتیکی‌ای ایتالیایی و مارک آنسل فرانسوی بوجود آمد، این نهضت بر پایه حمایت از فرد و جامعه بنیان گرفت و تفکر ایجاد نظامی بر اساس پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران پی ریزی شد، بر طبق این نظریه حمایت از بزهکار در اولویت قرار می‌گیرد و دولت و جامعه در قبال شهروندان و حتی بزهکاران وظایفی از جمله اجرای تدبیر اصلاح و اجتماعی پذیری بزهکار و



دفاع از جامعه را در مقابل خطرات بر عهده خواهد گرفت به عبارت بهتر، هدف مجازات در این نظریه، حمایت از فرد و جامعه می باشد. بنابراین تئوری اصلاح که مورد توجه نهضت دفاع اجتماعی است، تلاش می کند تا مجرمین اعمال خود را با معیارهای حقوق جزا منطبق سازند. با توجه به این تئوری، امروزه علمای حقوق جزا و جرم‌شناسی معتقدند، احکام کیفری قبل از آنکه جنبه تنبیهی و مجازاتی داشته باشند، باید دارای جنبه های تربیتی و اصلاح باشند. با عنایت به این تفکر، مقننین کشورهای مختلف در قوانین خود از اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده کرده اند و همانطور که مشخص است هدف این اقدامات تأمینی در اکثر موارد اصلاح و تربیت